

آمار هفتگی فروش و تماشاگران نمایش‌های به صحنه رفته در مجموعه تئاترشهر تا پایان روز جمعه ۲۱ مهر سال ۱۴۰۲ مشخص شد.

بر همین اساس نمایش «پدر» به کارگردانی آروند دشت‌آرای که با مجموع پنج اجرا، ۴۳۱ میلیون تومان فروش داشته است، نمایش «ملاقات بانوی سالخورده» به کارگردانی میترا علوی‌طلب، با مجموع سه اجرا به فروش معادل ۲۶ میلیون

آمار هفتگی فروش تئاتر

تومان دست پیدا کرده.

نمایش «تله‌وزیون» به کارگردانی الهه پورجمشید نیز با یک اجرا به فروش هفت میلیون و ۸۷۲ هزار تومانی دست یافت. نمایش «حقایق دربارہ سگ‌ها و گریه‌ها» به کارگردانی محمدهادی عطایی با مجموع دو اجرا، فروش معادل هفت میلیون و ۸۵۴ هزار تومان به اجرای ادامه می‌دهد. همچنین نمایش «آوینیون» به کارگردانی حسن معینی که از

گفت‌وگوی «جام جم» با قطب‌الدین صادقی، کارگردان نمایش «عروسی خون»

بیگانه از دنیای شاعرانه لورکا

طراحی آنتونی گادس که همین عروسی خون را کار کرده یا فیلم فرانچسکو رزی که فیلم کارون را کار کرده و آنتونی گادس هم آن را طراحی کرده؛ ببینید تمام لباس زن‌ها همین طوری است، دامن بلند تا مچ پا... پیتز بروج را هم ببینید، تقریباً از همین نوع لباس‌ها استفاده کرده است، این لباس‌ها شباهت‌هایی با لباس ایرانی هم دارد اما واقعا لباس اسپانیایی است و وجوه اشتراکی دارد. به این دلیل که تفاهمی هم از نظر معنای تجسمی اثر به تماشاگر ایرانی داده می‌شود.

خوشحالم از این نظر. تفاهم و نزدیکی می‌تواند ادراک مطلب را بالاتر ببرد و تأثیری بگذارد برای معنای نمایش ولی ما شباهت‌های زیادی داریم با هم، فرهنگ خودمان و هم لباس‌های روستایی اسپانیایی که در کارمان می‌بینید.

تکنیک‌های انکای به بیان بدنی چقدر با فضای احساساتی و شاعرانه عروسی خون همخوانی دارد؟

این بیان بدنی در اجرا خیلی متکی به نوعی غیرت روستایی فرهنگ اسپانیایی است، بدن بازیگران ما پر از خون و حرکت و هیجان است و در ضمن بازی مدرن با همه بدن است و فقط با صورت و دهان نیست و این را ما می‌گوییم ادبیات، بازی‌ای واقعی است که از امحا و احشای بازیگر و کل بدن بازیگر سود ببرد، یعنی از انگشتان پایش بگیر تا فرق سر. لذا این خون، حرکت و هیجان آن رئالیسم روستایی تغزلی است و متکی به آن عواطف و احساسات غیرتی، تغزلی اگر هست، شاعرانگی‌ای اگر هست در خود موضوع و در برخورد با مسأله عشق است، در خون و هیجان و مسائلی که آنها برای زیستن در برابر جادوی مرگ دارند که در فرهنگ اسپانیا حضور دارد و ما هم در صحنه آن را آورده‌ایم به طوری‌که در جنگ‌های داخلی‌شان یکی از شعارها زنده باد مرگ بود ولی در برابر

این شعار نسبت به زیستن، عشق و تغزل و غنای تن فرهنگ اسپانیا حساس و بسیار نیرومند است و آثار بسیار درخشانی دارند.

در واقع این بیان بدنی برای برجسته‌کردن آن شور و شر عاشقانه و احساسات شاعرانه نمایش است.

نظم را یاد بگیرند و همچنین بازی کردن با هم یعنی روحیه گروهی را یاد بگیرند؛ چون در کلاس‌های بازیگری هنرجویان یک اتوود مستقل را کار می‌کنند اما در دل آن نظم، هماهنگی و اخلاق گروهی را نمی‌آموزند. مهم‌ترین چیزی که به آنها گفته‌ام این است که نه تنها اینها را می‌آموزید و به طور فردی پیشرفت می‌کنید بلکه باید در دل یک گروه پیشرفت کنید. این را به آنها آموخته‌ام و امیدوارم که این‌طور باشد که تنها آموزش تئاتر نیست بلکه آموزش درس زندگی است، ما همه معلومات فنی و دراماتیک را با خود به فضای زندگی می‌بریم؛ یعنی نظم، اخلاق و آن روح مودت و انرژی و شوری که برای انجام هر کاری داریم را باید به شکل یک عادت ثانوی به خودمان به زندگی ببریم، به معنی دیگر آنها را برای یک زندگی هم آماده می‌کنیم.

عروسی خون چقدر در اجتماع جهان امروز گویای مطلب است؟

اعتقادم بر این است که در دوره‌های بحرانی، هرگز نباید یادمان برود ارزش‌های عاطفی و عواطف چیست. درون نباید فقیر شود. وقتی از بیرون سخت درگیر هستیم، حوادث اجتماعی و درگیری‌های ریز و درشت، انرژی زیادی از ما می‌گیرد. حالا اگر از درون هم فقیر باشیم، نابودی حتمی است. تنها راه آن تعادل بخشیدن، تداوم روحیه فعالیت، تلاش اجتماعی و داشتن یک درون قوی و شکوفاست. یعنی ما از درون باید عشق، عاطفه و انسان دوستی را فراموش نکنیم. به گمانم در تئاتر از طریق آثار درخشانی مانند لورکا است که شما این فرصت را پیدا می‌کنید. ما نباید این دوره بحرانی را بدون کار کردن روی عواطف درون‌مان سپری کنیم. از طرف دیگر تأکید روی شخصیت زن است، در جامعه ایرانی تا این درجه زن پویا و فعال نبوده است. نباید این را در تئاتر فراموش کنیم و همزمان با ارزش‌هایی که زنان در جامعه پیدا کرده‌اند، ما هم در تئاتر اینها را به شکلی منعکس کنیم و بگوییم که از این نوع شخصیت‌های فاعل زن هم داریم و تأکید کنیم که آنها را باید نشان دهید. این برایم خیلی حائز اهمیت بوده است.

چرا به جای دکور به ویدئو و پخش تصاویر تجریدی بسنده کرده‌اید؟

حقیقتش را بخواهید، این نمایش را برای سالن شانوی خودمان آماده کرده بودیم. چهار روز قبل از اجرا به دلیل حوادث شهر تهران سالن ما بسته شد، چهار ماه بعد بنابر خواست صاحب ملک، دادگاه حکم تخلیه داد و آنجا را جمع کردیم. وسایل و دکور ما همین‌طور ماند تا این‌که آمدمیم سالن ایران‌شهر و دیدیم با یک سالن چهار برابر سالن شانو مواجه هستیم. از نظر طول و عرض و ارتفاع ابعاد ما چهار برابر شده است و به‌ناچار آن دکور را باید کنار می‌گذارشتم. دلیل دیگر هم این بود که در اینجا باید همزمان با یک گروه دیگر کار می‌کردیم و طی نیم‌ساعت باید دکور را جابه‌جا می‌کردیم. دنبال یک صحنه ساده، پویاتر و نمایشی‌تر بودیم و هیچ راهی نبود جز این‌که از یک صفحه‌بزرگ و سفید استفاده کنیم که قبل از هر چیز معرف فرهنگ اسپانیاست. همچنین معرف پاکی زن است؛ چون زمینه لباس زن‌ها سفید است و بعد مکمل واقعیت‌گرایی روستایی بود که در عرصه بازیگری داریم آن را انجام می‌دهیم. تنها به وسیله تصاویر تخیلی می‌توانستیم آن جو شاعرانه را خلق کنیم. رنگ و ترکیبات تجریدی رنگ و حرکت خون، عواطف و احساسات شاعرانه‌ای است که در پس زمینه و ناخودآگاه همه شخصیت‌ها اتفاق افتاده است. متناسب با هر صحنه رنگی را آورده‌ایم که این رنگ سفید، معرف فرهنگ اسپانیاست. برای مثال نقاشی‌های دالی را نگاه کنید، ببینید چقدر رنگ زرد و روشن زیاد است. از اینها استفاده کردیم برای این‌که مکمل بدن بازیگران باشد که اینها بتوانند ناخودآگاه شاعرانه اثر و شخصیت‌ها را هم نشان بدهند. تأکید ما روی پاکی، سادگی و وجه شاعرانه‌ای که در پس‌زمینه تاریخی و فرهنگی اسپانیا وجود دارد، بوده است.

ایده لباس‌های مجلس عروسی از کجا به ذهن تان آمده

و چقدر نسبت با کلیت اثر دارد؟

لباس‌های زن‌ها و مردهای روستایی اسپانیا تا دهه ۲۰ و ۳۰ قرن بیستم، کمابیش همین لباس‌هایی است که می‌بینید؛ یک جلیقه است، یک پیراهن سفید و شلوار مشکی و لباس‌های زن‌ها هم عموماً دامن‌هایی بلند تا مچ پا و معمولاً هم با رنگی است یا سفید و... کافی است که شما برای نمونه فیلم کارلوس سائورا را ببینید یا بازی و



قاب



گرمی داشت روز جهانی عصای سفید

«جشن سفید» به مناسبت روز جهانی عصای سفید توسط گروه تئاتر باربان با همکاری مجموعه تئاتر شهر برای بزرگداشت این روز برگزار می‌شود. جشن روز جهانی عصای سفید روز ۲۳ مهرماه ساعت ۱۶ در سالن مشاهیر مجموعه تئاتر شهر و با حضور هنرمندان و برخی از مدیران برگزار می‌شود. غلامرضا عربی، سرپرست و کارگردان نمایش‌های گروه باربان در این مراسم، اجرای قطعاتی از نمایش‌های کوتاه، سخنرانی مدیرکل بهزیستی استان تهران، استندآپ کمدی توسط بازیگر نابینا، اجرای موسیقی توسط نابینایان، سخنرانی مدیرعامل خانه تئاتر و... را تدارک دیده است.

رویداد

آغاز اجراهای محیطی تئاتر شهر

پس از ۱۰ سال وقفه نمایش «مهم نیست» نوشته دیوید آیوز و کارگردانی ایمان ایرانمنش در کافه سالن اصلی تئاتر شهر اجرا می‌شود.

نمایش مهم نیست اولین نمایش محیطی پس از حدود ۱۰ سال وقفه در اجرای این گونه نمایش غیرسالنی است. این نمایشنامه حدود ۲۰ سال پیش توسط منیژه محامدی در همین محل (کافه‌ترای سالن اصلی) اجرا شده بود و این بار قرار است توسط ایمان ایرانمنش با دو بازیگر جوان که قراری در کافه گذاشته‌اند، اجرا شود. این نمایش محیطی، درباره ملاقات دو جوان در کافه است که باعث ایجاد موقعیت کمدی می‌شود و در آن ایمان ایرانمنش و فاطمه ظهیری ایفای نقش می‌کنند.

دبیری هنری اجراهای محیطی مجموعه تئاتر شهر برعهده عباس غفاری، کارگردان، بازیگر و منتقد تئاتر است که ۱۰ سال پیش نیز همین مسئولیتی را به عهده داشت. نمایش مهم نیست از یکشنبه ۲۲ مهر ساعت ۱۶ و ۳۰ دقیقه در کافه‌ترای اصلی با قیمت بلیت ۵۰ هزار تومان و مدت زمان ۴۰ دقیقه به صحنه می‌رود.



صحنه

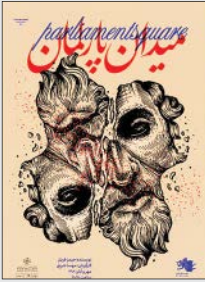
«میدان پارلمان» در تماشاخانه انتظامی

«میدان پارلمان» به نویسندگی جیمز فریتز با ترجمه حسین جمالی و مهرنوش قهرمانی و طراحی و کارگردانی مهسا شریفی روی صحنه می‌رود.

این اثر نمایشی از سه‌شنبه ۲۵ مهر تا ۲۲ آبان هر شب (به جز شنبه‌ها) ساعت ۲۰ و ۳۰ دقیقه به مدت ۶۰ دقیقه در تماشاخانه انتظامی اجرا می‌شود.

سحر خدا داده، نیوشا طورانی، میلاد علی‌پرست، سحر مصباح و پروین والی‌زاده بازیگران این اثر نمایشی هستند.

درباره نمایش میدان پارلمان آمده است: «همه به هم نگاه می‌کنند، همه به هم زل می‌زنند، اون کیه که می‌تونه این وضع رو عوض کنه؟ ما فقط تماشا می‌کنیم. ما هم می‌تونیم از روی صندلی هامون بلند شیم و به کاری بکنیم، اونا عکس‌ها رو می‌بینند و در مورد اتفاقی که افتاده می‌خونن و با خودشون فکر می‌کنن اگه اون زن تونست یه چیزی از این سنت‌های پوسیده رو متوقف کنه، منم می‌تونم، منم می‌تونم، منم می‌تونم...»



دکتر قطب‌الدین صادقی، استاد دانشگاه، مترجم و کارگردان، این روزها نمایش «عروسی خون» نوشته فدریکو گارسیا لورکای اسپانیایی را با گروهی از هنرجویانش در تماشاخانه ایران‌شهر روی صحنه دارد. او یکی از موفق‌ترین کارگردان‌هایی است که در کنار بزرگانی چون زنده‌یاد حمید سمندریان و دکتر علی رفیعی در آموزش و به‌کار گرفتن جوان‌ها در آثارشان نقش مثبتی داشته‌اند و این بار نیز عروسی خون از این منظر می‌تواند به شکل قابل‌تاملی ما را همزمان خود کند. با دکتر صادقی درباره این نمایش و نحوه کار کردن با جوانان گفت‌وگو کرده‌ایم که در ادامه می‌خوانید:

به عنوان یک اندیشمند در حوزه تئاتر می‌پرسم آیا متون لورکا آن‌طور که باید و

شاید در ایران اجرا شده است؟

راستش را بخواهید رئالیسم شاعرانه‌ای که با لورکا در صدر ادبیات نمایشی دنیا نیست، نه تنها در ایران بلکه در کل جهان کمابیش بیگانه است. او برای اولین بار این نوع تئاتر تغزلی ناب را نوشت و یک رنگ و بوی تازه‌ای در رئالیسم خشن و خیلی ناتواریستی دنیا داد که بر فقر، رنج، بدبختی، طبقات کارگری و طبقات رنج‌دیده شهری اتکا می‌کند اما این نوع رئالیسم شاعرانه بر طغیان تأکید می‌کند و بر تسلیم نیست. در این‌باره از نظر شکلی و صحنه‌ای چندین کار شده است و اینها ارزشمند بود؛ مثل کارهای دکتر رفیعی و دیگران. پیش از انقلاب هم آقای مهدی هاشمی نمایش «خانه برنارد آلبا» را کار کرد. همه اینها دارای این زیبایی‌شناسی بود، منتها من فکر می‌کنم که بر عنصر طغیان کمتر تکیه شده بود؛ یعنی زیبایی‌شناسی صحنه بسیار جذاب بوده ولی آن طغیانی که به هر حال از سوی زنان مستمیده اسپانیایی بوده و لورکا این نوع طغیان را بر علیه سنت‌ها و باورهای کهن جمعی در آثارش آورده، کمتر مورد توجه قرار گرفته است. به نظر من این مهم‌ترین نکته‌ای است که باید برجسته و به تماشاگر منتقل شود.

خودتان بنابر چه اهدافی سراغ عروسی خون رفته‌اید؟

حقیقتش را بخواهید قبل از هر چیز بر پاکی عشق و طغیان پرشور زنان دارای اراده و خرد تأکید می‌کنم. نباید یادمان برود که این زن‌ها باراده و پاکی‌شان باید از پس یک زندگی معمولی بر بیایند و حضور اجتماعی پررنگ‌تری داشته باشند. هدف دیگری که در کنار این جریان داشتم، جنبه شکل‌گرایانه آن است که فقط با آثار بزرگ که موقعیت‌های بزرگ دراماتیک و شخصیت‌های پرداخت شده بزرگ دارد، می‌شود با آنها جوان‌ها ارتباطت کنید و به آنان باید آثار بزرگی برای تمرین کردن بدهید که بتوانند با اتکا به مصالح دراماتیک اثر به بهترین شکل ممکن به رزوای روح شخصیت‌ها و موقعیت‌های اثر برسند و ضمن ارائه آثار، توانایی‌های خودشان را کشف کنند. به‌نظرم عروسی خون یکی از این آثار گران قدر است که می‌تواند آموزنده باشد.

شما سال‌هاست که در کنار حرفه‌ای‌ها هزارگانه‌ی با هنرجویان تان کار می‌کنید. این نوع کار چقدر هزینه و فایده برای شما دارد؟

بله من سال‌هاست که در کنار حرفه‌ای‌ها با جوان‌ها نیز کار کرده‌ام و اولین هزینه‌ای که باید بپردازم، این است که شما باید زمان زیادی بگذارید برای این‌که تنها هدف‌تان هدایت بازیگر نیست، طراحی میزانش‌ها نیست و درآوردن روح اثر نیست، بلکه همزمان با موازات آن باید روی بدن، بیان و تربیت حس بازیگران جوان هم کار کرد؛ یعنی هم کارگردانی و هم آموزش است. روش ترکیبی بعضی وقت‌ها خسته‌کننده است ولی خوبی‌اش اینجاست که شما به جوان‌ها میدان می‌دهی؛ جوان‌هایی که خیلی از جاهای راه‌شان نمی‌دهند و اگر هم راه‌شان بدهند برای کارهای کم‌ارزش و حاشیه و سیاسی‌لشکر است. من واقعا به این جوان‌ها میدان می‌دهم. من به این جوان‌ها در دل یک اثر بزرگ میدان می‌دهم تا هم یک درام را با تمام ابعاد اجرایی‌اش بشناسند و هم خودشان را تربیت کنند. بدن و بیان‌شان را تربیت کنند و زوایای بازیگری مدرن را به آن بیاموزم زیرا با یک روش معمولی نمی‌شود این کارها را کرد و باید یک روش پداگوژی خاص به‌کار گرفته شود که هم اصول پایه را به آنها بیاموزد و هم اصول بازیگری و هم این‌که من به شکل روز باز کارگردانی می‌کنم و به آنها کارگردانی را هم یاد می‌دهم. بعد افزون بر اینها، تکنیک‌ها و روش‌های جدید بازیگری را هم با آنها کار می‌کنم که آنها فقط به روش استانیسلاوسکی ۱۰۰ سال پیش قرائت نکنند.

در میان کارهایی که با جوانان کرده‌اید، کدام‌ها اسم و رسم بیشتری یافته است؟